

بیت



دانشگاه مازندران

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی

دانشجو:

سمیه تام

استاد راهنما:

دکتر علی کریمی

استاد مشاور:

دکتر حسین جمالی

بهار ۱۳۸۸

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

---

چکیده انگلیسی.....	۱
چکیده فارسی.....	۲
سخن نخست.....	۴

### مقدمه : کلیات

۱- طرح مسئله.....	۷
۲- سوال پژوهش.....	۹
۳- ادبیات پژوهش.....	۹
۴- فرضیه‌ها.....	۲۱
۵- حدود و اهداف پژوهش.....	۲۲
۶- روش پژوهش.....	۲۳
الف - تعریف مفاهیم کلیدی.....	۲۳
ب - چارچوب نظری.....	۳۰
۱- هویت مقاومت کاستلز.....	۳۰
۲- نظریه جهانی شدن رابرتسون.....	۳۳
ج - فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات.....	۳۸
د- محدودیت‌های تحقیق.....	۳۸
ه - سازماندهی تحقیق.....	۳۸

## فصل اول: تحلیل و بررسی جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی

مقدمه.....	۴۰
بخش اول: جهانی شدن.....	۴۰
پیشینه جهانی شدن.....	۴۰
تعاریف جهانی شدن.....	۴۲
انواع جهانی شدن .....	۴۴
الف- جهانی شدن اقتصادی.....	۴۴
ب- جهانی شدن سیاسی.....	۴۷
ج- جهانی شدن فرهنگی.....	۵۱
شکل گیری فرهنگ جهانی.....	۵۸
بخش دوم: بنیاد گرایی اسلامی .....	۶۳
بنیاد گرایی اسلامی.....	۶۳
دیدگاه ها در مورد علل ظهور بنیاد گرایی اسلامی.....	۶۶
الف- مدرنیسم.....	۶۶
ب- نظریه تجدید حیات اسلامی.....	۶۶
ج- نظریه ادواری.....	۶۷
د- نگرش شرق شناسان جدید.....	۶۸
تقسیم بندی بنیاد گرایی اسلامی.....	۷۰

## فصل دوم: ضدیت بنیاد گرایی اسلامی با آمریکا و وجوه لیبرالی جهانی شدن

مقدمه.....	۷۳
بنیاد گرایی واکنشی در برابر غربی شدن جهان.....	۷۳

۷۹.....	ضدیت بنیاد گرایی اسلامی با وجوه لیبرالی جهانی شدن.....
۸۰ .....	برداشت حسن حنفی از جهانی شدن.....
۸۶.....	بنیاد گرایی به مثابه ضد آمریکا گرایی.....
۹۱.....	الف - ریشه‌های معرفتی ضد آمریکا گرایی بنیاد گرایان.....
۹۴.....	ب - تئوری‌های های فوکویاما و هانتینگتون و تشدید ضدیت.....
۹۸.....	ج - عوامل عینی ضد آمریکا گرایی بنیاد گرایان اسلامی .....

### فصل سوم: جهانی شدن، فرصت ها و محدودیت‌های بنیاد گرایی اسلامی

۱۰۷.....	مقدمه.....
۱۰۷.....	فناوری اطلاعات و بنیادگرایی اسلامی.....
۱۱۴.....	جهانی شدن و فرصت اقدامات تروریستی برای بنیاد گرایی اسلامی.....
۱۱۶ .....	جهانی شدن و فرصت تشکیل حکومت اسلامی جهانی توسط القاعده .....
۱۱۹ .....	جهانی شدن و محدودیت‌های بنیاد گرایی اسلامی در عرصه جهانی شدن.....

### فصل چهارم: الگوها و شیوه‌های مقاومت بنیاد گرایی اسلامی علیه جهانی شدن

۱۲۴.....	مقدمه.....
۱۲۷.....	تروریسم، مدرنیته و جهانی شدن.....
۱۳۰ .....	انواع تروریسم.....
۱۳۰ .....	الف- تروریسم بنیاد گرا.....
۱۳۱.....	ب- تروریسم فرامدرن.....
۱۳۲ .....	ج- سایبر تروریسم.....
۱۳۳ .....	د- تروریسم جهانی.....

۱۳۳	جهانی شدن فن آوری نوین؛ عامل تسهیل کننده تروریسم جهانی
۱۳۵	تروریسم و جنگ اطلاعاتی
۱۳۷	بنیادگرایی اسلامی و مقابله با جهانی شدن
۱۳۸	القاعده و شیوهی تروریستی مقابله
۱۳۸	اقدامات تروریستی القاعده قبل از ۱۱ سپتامبر
۱۴۱	۱۱ سپتامبر و اثبات تروریسم القاعده
۱۴۳	اقدامات تروریستی القاعده پس از ۱۱ سپتامبر
۱۵۰	نتیجه گیری
۱۵۵	منابع

## **Abstract**

In the recent decades, globalization is changed to one of original and pervasive subjects. Being pervasive and widespread of this process in the whole of world provoke to various subjects in the scientific extent. One of which is Islamic fundamentalism and its proportion with globalization.

Islamic fundamentalism correlates with this phenomenon from diverse points. Thence it is a response to similarization of the globalization and it is accounted as yield of globalization, from this spectrum, Islamic fundamentalism is a type of resistance identity for suppression from spreading of liberalism and secularism in the world. Such concept from navigate of Islamic fundamentalism participant with special understanding that indeedly globalization is explained as intellection of being process. Because of fundamentals believe to westernization of global, hence they repugnance and struggle with west and special united states as designer of this Another prospect of relation of globalization and Islamic fundamentalism is analysed from locality globalization or according to Robertson,s phrase particular is becoming generic or generic is becoming particular. Yet globalization collapse whole of the wips cultural spaces and surmount particulars and obtains proper basis for revival particulars and several diversity in the universal sheet. It performe a type of dialectical habit waist particulars, generic, universal and local fact. With inspiration from Robertson, in the first step, globalization is a cultural phenomenon, because of it obtain a sketch for globalization of particular and native culture and localization elements of global cultre, therefor we able to tell a bout becoming generic of peculiar and becoming peculiar of generic.

This relation is true about utilization of Islamic fundamentalism from capacity and technical ability of globalization and therefor genericization of self cultural specialism, is testified. This technical space creates limitations for Islamic fundamentalism too. On the other hand, technic and siber space create condition for United States and west that they able to control work of Islamic fundamentalism.

In the act arena, turnover of west and specially United States cause to being depth of significant of being project of globalization for Islamic fundamentalism and thereupon create opposition for it. Response of Islamic Fundamentalism is divers' ways: peaceful or hostile. Even 11 September is a type of Affront of Islamic fundamentalism to globalization that we can entitle it an uncooperative war.

Key words: Globalization, Islamic Fundamentalism, Resistance Identity, Anti Americanism, Terrorism.

## چکیده

در دهه های اخیر، جهانی شدن به یکی از مباحث عمده و فراگیر تبدیل شده است. فراگیری و گستردگی این فرایند در سراسر گیتی، به مباحث مختلفی در حوزه های علمی دامن زده است که از آن جمله مسأله بنیاد گرایی اسلامی و نسبت آن با جهانی شدن است. بنیاد گرایی اسلامی از جهات گوناگون با این پدیده ارتباط برقرار می کند. از آن جهت که در پاسخ به فرایند یکدست ساز جهانی شدن به وجود آمده است محصول جهانی شدن دانسته می شود و از این منظر نوعی مقاومت هویتی برای جلوگیری از اشاعه لیبرالیسم و سکولاریسم در جهان می باشد. چنین برداشتی از ماهیت بنیادگرایی اسلامی با فهم و برداشت خاصی از جهانی شدن قرین است که همانا تلقی پروژه ای - در مقابل تصور پروسه ای بنیاد گرایی اسلامی از جهانی شدن توضیح داده می شود؛ چرا که اغلب بنیادگراها به غربی سازی جهان اعتقاد دارند و از همین رو با غرب و به ویژه آمریکا، به عنوان معمار و طراح این پروژه مخالفت و ستیز می نمایند. بعد دیگر نسبت جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی از موضع جهان محلی شدن یا به تعبیر رابرتسون عام شدن خاص و خاص شدن عام قابل تحلیل است. با این توضیح که فرایند جهانی شدن در عین حال که همه ی فضا های بسته ی فرهنگی را فرو می ریزد و خاص ها را از میان بر می دارد، از سوی دیگر زمینه مناسبی هم برای بازسازی و احیای خاص ها و گوناگونی های مختلف در گستره جهانی فراهم می کند و نوعی رابطه دیالکتیکی میان خاص و عام و امر جهانی و محلی را به نمایش می گذارد. با الهام از رابرتسون جهانی شدن در درجه نخست پدیده ای فرهنگی است، چرا که بستری برای جهانی شدن فرهنگ های خاص و بومی و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می کند، از این رو می توان از عام شدن امر خاص و خاص شدن امر عام سخن گفت. این رابطه در مورد استفاده بنیادگرایان اسلامی از ظرفیت ها و قابلیت های فنی و تکنیکی جهانی شدن و در نتیجه عام کردن خاص گرایی فرهنگی خود، قابل صدق است. فضای تکنولوژیک ایجاد شده علاوه بر این که فرصتی برای بنیاد گرایان محسوب می شوند تا به طرح و اشاعه ایده های خود در سراسر جهان بپردازند؛ همزمان واجد محدودیت هایی نیز برای بنیاد گرایی اسلامی، می باشد؛ یعنی تکنولوژی و فضای سایبر علاوه بر مستفیض کردن بنیاد گرایی اسلامی، موقعیتی را برای

جهانی شدن، آمریکا و غرب و ... ایجاد می کند که از طریق آن عملکرد بنیاد گرایی اسلامی مورد کنترل و محدودیت قرار می گیرد.

علاوه بر اقتضات جهانی شدن و بستر سازی آن برای موارد مذکور، در عرصه عمل نیز، عملکرد غرب و به ویژه آمریکا به تعمیق مفهوم سازی پروژه ای بنیاد گرایی اسلامی از جهانی شدن و در نتیجه ضدیت با آن کمک فراوانی نموده است. بنیاد گرایی اسلامی به شیوه های مختلف از مسالمت آمیز تا حتی خشونت آمیز به جهانی شدن عکس العمل نشان می دهد. حتی می توان در مواردی مثل ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مواجهه ی بنیاد گرایی اسلامی با جهانی شدن را گونه ای از جنگ های نامتقارن محسوب نمود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن ، بنیاد گرایی اسلامی ، هویت مقاومت، ضد آمریکا گرایی، تروریسم



تلاش برای نوشتن مقاله‌ای علمی در مورد جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی را در دوره کارشناسی ارشد شروع نمودم اما در آن جا تنها گوشه‌ای از بحث در مورد این نوع از تغییر و تحول را بررسی کردم. با انتخاب موضوع رساله در مورد جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی بود که زوایای گوناگونی از آن در ذهنم شکل گرفت و بالاخره با راهنمایی اساتید راهنما و مشاورم آن چه به عنوان موضوع اصلی در مرکز کار قرار گرفت پاسخ به سؤال نوع رابطه جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی بود؛ در واقع تبیین رابطه دیالکتیکی جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی مد نظر بوده است. در این بررسی ضد آمریکا گرایی به مثابه ضدیت با جهانی شدن قلمداد شده است.

در فصل اول با تمرکز بر جهانی شدن فرهنگی، تعاریف جهانی شدن و انواع جهانی شدن اقتصادی و سیاسی و نیز مباحث مربوط به بنیاد گرایی اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم، عوامل ضدیت بنیاد گرایی اسلامی با جهانی شدن و آمریکا مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

در فصل سوم فرصت ها و محدودیت هایی را که جهانی شدن در اختیار بنیاد گرایی اسلامی قرار داده مورد نظر بوده و در فصل پایانی در مورد نحوه واکنش بنیاد گرایی اسلامی نسبت به جهانی شدن، بحث و بررسی شده است.

فرضیه اصلی این رساله در قالب نوع رابطه ی بین جهانی شدن و بنیاد گرایی اسلامی بوده که دیالکتیکی و تعاملی می باشد؛ بدین معنا که همزمان بنیاد گرایی اسلامی محصول جهانی شدن بوده و تشدید فعالیت‌های آن نیز در واکنش به گسترش جهانی شدن است و این در عین حالی است که جهانی شدن مترتب فرصت هایی نیز برای بنیاد گرایی اسلامی بوده است.

هرچند به نظر می‌رسد زوایای گوناگون دیگری هست که در مورد موضوع مورد بحث باید مورد بررسی قرار گیرد اما تمام تلاشم را با کمک اساتید محترم راهنما و مشاور انجام دادم تا جنبه‌های مهم آن را بیان کنم. در این میان، جا دارد از زحمات بی‌دریغ و راهنمایی‌های استاد گرامی

راهنما دکتر علی کریمی، تلاش‌ها و زحمات استاد محترم مشاور دکتر حسین جمالی که هر دو در گشودن راه‌های نو در نوشتن این رساله زحمات زیادی کشیدند، از اساتید دیگر گروه، از همراهی و تشویق‌های بی‌دریغ پدر و مادر عزیزم قدردانی نمایم. امیدوارم با به سر انجام رساندن این رساله توانسته باشم گوشه‌ای از زحمات همه آن‌ها را جبران کرده باشم.



مقدمه

# کلیات

## ۱- طرح مسأله

فرایند پرشتاب و گسترده‌ی جهانی شدن در دهه‌های اخیر، زمینه‌ی ای را فراهم کرد تا اندیشمندان رشته‌های مختلف سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و ... در مورد پیدایش، گسترش و تشدید فرایند جهانی شدن و تأثیرها و پیامدهای آن بر عرصه‌های فکری - معرفتی و عینی زندگی اجتماعی - سیاسی در جهان معاصر، به تأمل بپردازند.

جهانی شدن به طور کلی، به معنای گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و تعمیق تأثیرات فرا-مکانی جریانات و الگوهای تعامل اجتماعی است. جهانی شدن حاکی از جابجایی یا دگرگونی در مقیاس سازماندهی انسانی است که جامعه‌های دوردست را به یکدیگر متصل می‌کند و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره‌های دنیا، گسترش می‌دهد. اما این پدیده لزوماً به معنی ظهور یک جامعه جهانی هماهنگ، یا به عنوان یک فرایند عمومی ادغام جهانی نیست که در آن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، همگرایی فزاینده پیدا می‌کنند؛ زیرا این فرایند چندوجهی، نه تنها موجب خصومت‌ها و درگیری‌های جدیدی می‌شود، بلکه ممکن است به سیاست‌های ارتجاعی و بیگانه‌هراسی ریشه‌دار، دامن‌بزند (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۱)

جهانی شدن همچنین موجب تقویت ظهور چارچوب‌های هویت جمعی غیر ملی نیز شده و به تقویت و رشد برخی از همبستگی‌های بی‌قلمرو انجامیده است. این پیوند‌ها در زمینه‌هایی مثل سن، طبقه اجتماعی، جنسیت، نژاد، مذهب و ... گسترش پیدا کرده است (شولت، ۱۳۸۲: ۲۰۱). تحت تأثیر این فراملی شدن‌ها و اساساً از بین رفتن مفهوم مرز، هویت مذهبی گروه‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی نیز مرزهای ملی را درنوردیده و می‌تواند عناصر هویت و کنش‌گری خود را، در فضای فوق‌قلمرویی مطرح نماید.

مقارن با گسترش جهانی شدن، پدیده مهم دیگری نیز در محافل فکری و سیاست‌های عملی جهان اثرگذار ظاهر شده است و آن عبارت است از بنیادگرایی اسلامی که نسبت وثیقی با جهانی

شدن نیز دارد زیرا از یک سو بنیادگرایان با اتکا به مبانی اعتقادی خود داعیه جهانشمولی دارند که با جهان گستری ناشی از جهانی شدن در تعارض قرار می‌گیرد و از سوی دیگر برخی از بنیادگرایان وضع موجود را نامطلوب می‌دانند و تفسیر و تصویری ناپسند از آن عرضه می‌کنند، آنها به ویژه ساختار فرهنگی حاکم بر جهان و سویه‌های فرهنگی جهانی شدن را به باد انتقاد می‌گیرند و فرهنگ جهانی را آماج حملات خود قرار می‌دهند. چرا که ویژگی بخش این فرهنگ جهانی، اصول و ارزشهای تجدد است و به همین دلیل تجدد ستیزی به رسالت اصلی بنیادگرایان تبدیل می‌شود. بر این اساس و از آنجا که تجدد پدیده ای جهانی است، بنیاد گرایی نیز جهانی می‌شود (Lechner, 2008: 338) و مخالفت با مظاهر و ارزش‌های جهانی شدن در دستور کار بنیادگرایان اسلامی قرار می‌گیرد.

با چنین برداشتی به تدریج در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نسل جدیدی از اسلام گرایان جهادی رشد کرد که در واکنش به توسعه فزاینده ارزش های غربی، جهاد را جنگی مقدس برای توسعه عقاید خود و شکست کافران می‌دانستند. برای این نسل جدید، جهاد گرایی یعنی ضد آمریکایی بودن و به عبارتی طرد کردن غرب و شیوهی اندیشیدن و زندگی کردن همه گیر تسلط یافته‌ی غربی (پولی و دوران، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۸). پس، از آنجا که رسالت خطیر بنیاد گرایان در مبارزه با فرهنگ جهانی و تجدد مستلزم سرسختی و سازش ناپذیری است؛ بسیاری از بنیاد گرایان هرگونه سازش و مصالحه را، تسلیم در برابر دشمن می‌دانند. دشمنان آنان معمولا چونان دشمنان خداوند یا شاید دشمنان حقیقت و اخلاق، وانمود می‌شوند که مدارا با آنها به هیچ وجه جایز نیست (Peterson, 1999: 88-89).

اگر چه فرهنگ جهانی و سرمایه داری با بهره گیری از فناوری‌های نوین در حال گسترش است، اما از آن جایی که فرهنگ، هویت، کنش ها، واکنش ها، سنن، هنجارها، آداب و رسوم هر فرد و جامعه ای را می‌سازد، و در یک کلام معرف حیات اجتماعی انسان هاست، طبیعی است که در برابر سایر فرهنگ ها از خود واکنش نشان دهد. یعنی مرزبندی با غیر جزء ذاتی هر فرهنگی است و فرهنگهای جهان شمول علاوه بر مرزبندی به حاشیه نشین کردن فرهنگ‌های غیر نیز اهتمام می‌ورزند

و طبیعی است که تلاش اغیار برای حفظ، بقا و حتی گسترش هویت خویش نوعی اصطکاک و مناقشه با فرهنگ جهان گستر را موجب می‌شود. بنابراین جهانی شدن فرهنگ در بستری صاف و هموار قرار ندارد که به سادگی اتفاق بیفتد. اتفاقاً جریان جهانی شدن فرهنگ سرمایه داری نیز به دلیل خصلت غیریت ستیزی اش، موجب تحریک، ایجاد مقاومت و احیای فرهنگ‌های محلی و بومی در سراسر دنیا شده است.

با عنایت به این ملاحظات، سؤال‌های زیر مطرح می‌باشد:

## ۲- سؤال اصلی

چه رابطه ای بین جهانی شدن و پدیده بنیادگرایی اسلامی وجود دارد؟

سوالات فرعی

۱- چه وجوهی از جهانی شدن موجب ضدیت بنیاد گرایی اسلامی با آن می‌شود؟

۲- جهانی شدن چه فرصت هایی برای بنیادگرایی اسلامی فراهم می‌کند؟

۳- جهانی شدن چه محدودیت هایی برای بنیاد گرایی اسلامی فراهم می‌کند؟

۴- بنیاد گرایی اسلامی چه شیوه ای را برای مقابله با جهانی شدن در پیش می‌گیرد؟

## ۳- ادبیات پژوهش

در باره موضوع پایان نامه منابع مختلفی نوشته شده است که ارتباطی دور یا نزدیک بدان دارند و هر کدام، به بخشی از مسائل مربوط به آن پرداخته و یک یا چند متغیر مرتبط را مورد بررسی قرار می‌دهند. ادبیات مربوطه در چند دسته قابل تقسیم بندی است:

۱- منابعی که در مورد جهانی شدن به طور کلی بحث کرده اند:

الف- برخی از مهم ترین آثار این دسته به شرح زیرند:

\*تئوری جهانی شدن: رویکردها و تناقضات اثر دیوید هلد و آنتونی مک گرو(1382)؛ که در آن

بررسی جهانی شدن در شکل معاصر و احتمالات آن در آینده مد نظر قرار گرفته است. پژوهش حاضر

از لحاظ موضوعی به دو بخش تقسیم می‌گردد. تئوریهای تشریحی متناقض جهانی شدن در شکل معاصر آن، توصیه‌های متناقض در مورد آینده جهانی شدن، امپریالیسم، و نظام جهانی سرمایه داری، ارتباط میان جامعه بین‌المللی و جهانی شدن، مسئولیت پذیری دموکراتیک و چالش ناشی از جهانی شدن، جهانی شدن از بعد فرهنگی و تجدید ساختار حکومت جهانی از جمله مطالبی است که در کتاب مذکور بدان اشاره شده است.

\*نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی شدن نوشته یان آرت شولت (1382)، اثری است که در آن کاربرد گسترده و غیر دقیق اصطلاح جهانی شدن، ادعاهای بی اساسی که درباره‌ی آن بیان می‌شود و بسیاری از پیامدهای جهانی شدن نقد شده است. تلقی نویسنده این است که جهانی شدن با مقاومت روبرو می‌شود اما به عنوان یکی از شرایط تعیین کننده‌ی جامعه معاصر در سراسر دنیا در حال گسترش است. نویسنده جهانی شدن را به دو مرحله آغازین از دهه‌ی ۱۸۵۰ م تا دهه ۱۹۵۰ م و جهانی شدن کامل از دهه ۱۹۶۰ م تا امروز تقسیم می‌کند. برخی از نظریه‌های اصلی در باره‌ی جهانی شدن در این کتاب عبارتند از:

- دگرگونی جغرافیای اجتماعی که به وسیله گسترش فضاهاى فوق قلمروى مشخص می‌شود.
- جهانی شدن مستلزم پایان یافتن جغرافیای قلمرو نیست؛ قلمروگرایی و فوق قلمروگرایی با روابط متقابل و پیچیده به همزیستی ادامه خواهند داد.
- گرچه جهانی شدن در گذشته نیز جلوه‌هایی داشته است، پس از دهه‌ی ۱۹۶۰ م این گرایش با سرعت و دامنه‌ای بی‌سابقه، گسترش یافته است.
- گرچه جهانی شدن تقریباً هر شخص و مکانی را در دنیای امروز تحت تأثیر قرار داده است، اما روند گسترش آن نا موزون بوده و بیشتر بر طبقات مالک و متخصص در کشورهای توسعه یافته در شهرها و در میان نسل‌های جوان تر متمرکز است.

- جهانی شدن دارای پویایی‌های علت و معلولی چند وجهی است که انگیزه‌های اصلی آن ریشه در دانش عقل گرایانه ، تولید سرمایه داری، نوآوری‌های تکنولوژیکی گوناگون و برخی امکانات نظارتی ویژه دارد.

این کتاب با نگاهی گذرا به همبستگی‌های دینی معتقد است که تسریع جهانی شدن در دوران معاصر، محرک قابل ملاحظه ای برای پیوندهای مذهبی فوق قلمروگرا ایجاد کرده است. فرایند جهانی شدن به عنوان مقوله ای پیچیده و چند بعدی می‌باشد و آنچه در این پژوهش مد نظر است نه توضیح و تبیین این فرایند به صورت صرف، بلکه رابطه اش با بنیادگرایی اسلامی می‌باشد که طبیعتاً با توجه به غلبه بعد توصیفی این آثار مورد مطالعه و بررسی واقع نشده است.

ب- دسته ای از آثار که مقوله‌ی جهانی شدن را با یکی از متغیرهای مرتبط با بحث حاضر تحریر کرده‌اند و یا روند جهانی شدن را عامل تهدید دین اسلام و به تبع آن واکنش خشونت آمیز و حتی تروریستی مسلمانان می‌دانند و ۱۱ سپتامبر و پدیده‌های جدید خشونت را معلول جهانی شدن، می‌دانند.

\*کتاب جهانی شدن، فرهنگ، هویت (1381) را می‌توان از این دسته دانست. به نظر احمد گل محمدی در دهه‌های پایانی قرن بیست، جهان شاهد برجسته شدن فرهنگ یا خاص گرایی فرهنگی بوده است. حتی پایان جنگ سرد و افول سیاست طبقاتی نیز این فرایند را شتاب بخشیده است. این برجستگی فزاینده اکثر جوامع جهان را در بر می‌گیرد و به کشور، منطقه یا قاره خاصی محدود نمی‌شود. امروزه چه کشورهای توسعه یافته و ثروتمند غربی و چه کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم شاهد حضور چشمگیر عناصر مختلف فرهنگی در زندگی سیاسی- اجتماعی خود هستند. این خاص گرایی ها در دهه‌های پایانی قرن بیست گسترده تر و بیشتر شده اند. به بیان دیگر در این دوره انسان‌های بیشتر و بیشتری با الهام از ایدئولوژی‌های احیا گرانه، جدایی خواهانه و ملی گرایانه و



همچنین ایدئولوژی‌های بنیادگرایانه‌ی افراطی بسیج شده اند که معمولاً به کنش‌های جمعی پر تنش و ستیزه آمیز انجامیده است.

\*راجر اسکروتن در کتاب غرب و دیگران: جهانی شدن و تهدید تروریستی (2003)، تروریسم در جهان اسلام را نتیجه تهدید باورهای مذهبی مسلمانان در روند جهانی شدن می‌داند. وی معتقد است روند جهانی شدن با ارائه جامعه سکولار که در آن قوانین جامعه بشری بدون کمک خدا توازن ایجاد کرده است، جهان اسلام را با بحران مواجه ساخته است. این وضعیت باورهای قدیمی در خصوص پیروزی نهایی حق بر باطل و نابودی جریانی را در اذهان مسلمانان زنده کرده است که امت پیامبر را به انحراف کشیده است.

\*چشم اندازهای جهانی اثر آنتونی گیدنز (1384) متشکل از مجموعه سخنرانی‌های آنتونی گیدنز با محوریت بحث‌های جهانی شدن و نظریه‌ی جهان رها شده‌ی وی، می‌باشد که در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲. م در مدرسه اقتصادی و علوم سیاسی لندن (LSE) ایراد شده اند. گیدنز در سخنرانی چشم انداز نظم جهانی، بحث خود را با وقایع ۱۱ سپتامبر آغاز می‌کند و سؤالی را مطرح می‌کند مبنی بر این که آیا جهان هیچ وقت مانند قبل نخواهد شد؟ در پاسخ اول از نظر او این وقایع یک عامل مهم جدید را نه تنها در ساخت جوامع خاص، بلکه در کل نظام جهانی مطرح کرده است. بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا دیگر آن احساس امنیت و حس آسیب ناپذیری را نخواهد داشت، همچنین این اتفاق جدید، توسط عاملان آن به صورت واقعه‌ای جهانی طراحی شده است. در پاسخ دوم گیدنز می‌گوید احساس امنیت در جهان پس از مدتی، بازمی‌گردد. عامل دهم سپتامبر، یعنی جهان قبل از ۱۱ سپتامبر، بیشتر عوامل مؤثر، گرایش‌ها و تقسیم بندی‌هایی را که در پس واقعه سپتامبر خوابیده است، در خود داشت. در این کتاب گفته می‌شود واقعه ۱۱ سپتامبر آشکارا حاصل عمل ارتباطات جهانی بود. این وقایع به عنوان عمل ارتباطات جهانی تجربه شدند و نیز این واقعه را به صورت عملی که ارتباطات جهانی انجام می‌دهد، طراحی نمودند و وقایع ۱۱ سپتامبر یک اتفاق رسانه‌ای جهانی بود که بر نوعی

به هم وابستگی جابجایی پذیر دلالت داشت که در جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، وجود دارد. تصویر بن لادن احتمالاً اولین و شاید دومین یا سومین تصویر مشهور جهان شده است و این به علت طبیعت همزمانی سیستم ارتباطی ماست. در اینجا تأثیر ارتباطات در جهانی شدن به عنوان مهمترین عامل به حساب آورده می‌شود. تحلیل گیدنز این است که ساختار خشونت‌ها و جنگها در حال تغییر است گویی جلوگیری از درگیری‌های محلی که عمدتاً قومی یا مذهبی هستند، بسیار مشکل شده است چرا که بسیار بین‌المللی تر از جنگهای سنتی هستند. این مسئله با شبکه‌های جدید خشونت در ارتباط است. جهانی شدن، توانایی تولید شبکه‌های جدید خشونت را دارد.

در این دسته از آثار از زوایای مختلف، کم و بیش در راستای این پژوهش، از میان عوامل و متغیرهای گوناگون بر متغیر مورد نظر این پژوهش به عنوان متغیری فرعی تمرکز شده است، اما دغدغه اصلی این پژوهش، تبیین رابطه‌ی دو متغیر اصلی یعنی جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی - با توجه به رویکردی که پرسش تحقیق دارد - می‌باشد؛ کاری که در پژوهش‌های موجود بدان پرداخته نشده است و یا اینکه صرفاً بخشی از آن و از زوایای دیگر مانند تأثیر جهانی شدن بر خاص‌گرایی فرهنگی به طور کلی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر در صدد است در چارچوب نظریه‌های هویت مقاومت مانوئل کاستلز و جهانی شدن رولند رابرتسون، نوع رابطه‌ی دو متغیر مذکور را تحلیل کند.

۲- بخش دیگر ادبیات پژوهش منابعی است که در مورد بنیادگرایی نوشته شده است. این منابع خود در چند دسته قرار می‌گیرند:

الف- آثاری که در زمینه‌ی بنیادگرایی اسلامی است. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود.

\*مقاله زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی (1384)، به قلم الهه کولایی، در این زمره قرار می‌گیرد. در این اثر آمده است: پس از فروپاشی اتحاد شوروی بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. گروه‌های اسلامی از بازیگران تحولات دهه‌ی

۱۹۹۰ م در آسیای مرکزی بوده اند. این گروه ها با بهره گیری از ریشه‌های عمیق باورها و تمایلات اسلامی در منطقه، تلاش‌های وسیعی را سازمان داده اند. ظهور طالبان در افغانستان و پیوندهای قومی این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی، اثر پذیری منطقه از تحولات سیاسی - نظامی افغانستان را شدت بخشید. اما استقرار طالبان به نوبه‌ی خود به تحکیم روند صلح در تاجیکستان کمک کرد. مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی را تقویت کرده است. تحولات اخیر به خوبی اثبات کرد که اسلام در منطقه دارای اهمیت ویژه، و در شکل‌گیری هویت جدید منطقه به ویژه در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر، بسیار موثر بوده است. نخبگان سیاسی آسیای مرکزی نیز اسلام را مهم‌ترین رقیب سیاسی خود برآورد کرده اند. این مقاله به ریشه‌های توسعه بنیادگرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی می‌پردازد.

\*جنبش‌های اسلامی در جهان عرب اثر هرایر دکمجان(1366)، از دیگر منابع است. موضوع اصلی این کتاب، بررسی ریشه‌های تاریخی و الگوهای تجدید حیات طلبی اسلام و انواع مظاهر آن در محیط بحرانی جامعه اسلامی کنونی است. این کتاب بیشتر بر اسلام سیاسی و جلوه‌های انقلابی آن در جهان عرب تمرکز دارد. نویسنده در این کتاب می‌نویسد که دهه‌ی ۱۹۷۰ م شاهد اوج‌گیری و عمیق شدن آگاهی اسلامی در جوامع مسلمان سراسر جهان بوده است. تجدید حیات و رستاخیز اسلام، مظاهر معنوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. هدف اصلی رستاخیز معاصر، همچون بازگشت به ریشه‌ها و اصول، طبق سنت محمد (ص) پیامبر اسلام می‌باشد. همچنین در این کتاب به عوامل ظهور، تاریخ جنبش‌های اسلام‌گرا، پاسخ‌های بنیادگرایان به بحران‌ها، پایگاه‌های اجتماعی - روانی تجدید حیات طلبی اسلامی و رستاخیز اسلامی در جهان عرب، پرداخته شده است.

\*جنبش‌های اسلامی معاصر نوشته احمد موثقی(1385)، به بررسی مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی در قرون اخیر پرداخته است. جنبش‌های اجتماعی و سیاسی از مقوله تغییر و تحول اجتماعی است و در عین حال در جوامع شرقی و مسلمان قرون اخیر، نوعی واکنش در مقابل فرایند گذار جوامع

سنتی به جوامع جدید به ویژه تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی محسوب می‌شود که با توجه به نفوذ و سلطه استعمار کهنه و نو عمدتاً با اشغال مستقیم نظامی بلاد شرقی و اسلامی به دست اروپاییان در قرن ۱۹ م/۱۳ ق و جهت گیری‌های رهایی بخش و ضد استعماری بوده است. در بررسی جنبش‌ها که از مناطق مختلف جهان اسلام در آسیا و شمال آفریقا گزینش شده اند، ضمن آشنایی با تاریخ اوضاع فکری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع مورد نظر گاه وضعیت کنونی آن‌ها، حتی پس از انقلاب اسلامی ایران مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

ب- منابعی که در آنها نویسنده، فقط یک یا چند متغیر مرتبط با بنیادگرایی اسلامی از جمله تروریسم، گرایش‌های ضد آمریکایی، مدرن بودن اسلام رادیکال و غیره را مورد توجه قرار داده است:

\* کتاب شناخت دشمن: ایدئولوژی جهادی و جنگ علیه ترور (2006)، نوشته مری هابک منبع مهمی است که دلایل تروریست‌ها برای توجیه حملات خود علیه آمریکا را تبیین می‌کند. نویسنده از آمریکایی‌ها می‌خواهد تا به دلایل جهادگرایان برای حملات خود علیه مردم عادی توجه بیشتری مبذول کنند و به فراتر از تبیین‌های مبتنی بر جزم‌گرایی و تقدیرگرایی برای توجیه عقلانی خشونت جهادگرایانه بنگرد. کتاب به کنه و عمق ایدئولوژی اسلام‌گرایان رادیکال رفته و جزییات اندیشه‌های مذهبی خاص مشوق حملات خشونت‌بار علیه آمریکا را بر می‌شمرد. هابک ایدئولوژی جهادی را بستر امنیت آمریکا قرار داده و راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند که آمریکا می‌تواند با استفاده از آن، اسلام‌گرایان افراطی را شکست دهد. این راه از نظر نویسنده، استفاده از ایدئولوژی آمریکایی علیه آنهاست.

\* نویسنده کتاب از چشم دشمنانمان: اسامه بن لادن، اسلام رادیکال و آینده آمریکا (2006) - مایکل شوئز، تروریسم مدرن را از دیدگاه القاعده بررسی می‌کند. وی از آمریکا و جهان غرب می‌خواهد که از مخالفت و نادیده گرفتن مسلمانان مبارز به عنوان افراطی‌ها یا جزمی‌گرایان مذهبی دست کشیده و در عوض بر این نکته تمرکز کند که القاعده و طرفداران آن چه برداشتی از خود دارند. این پیشنهاد اساس این کتاب را تشکیل داده است. این کتاب به بحثی عمیق درباره‌ی شخصیت بن لادن و